

روش‌شناسی شیخ حر عاملی در تبیین، تنظیم و اثبات عقاید

ام‌البنین خالقیان*

محمد غفوری‌نژاد**

چکیده

تبیین روشن و صحیح عقاید، تنظیم معقول و منطقی آموزه‌های اعتقادی و اثبات آنها برای مخاطب از وظایف اصلی متکلمان است. حر عاملی، متکلم اخبارگرای مکتب اصفهان، در آثار کلامی خود از روش‌های متعددی در این سه مقام بهره برده است. در این پژوهش با مرور تمام آثار کلامی وی روش‌هایی را که او در این سه مقام استفاده کرده استخراج و استقصا کرده‌ایم. حر عاملی در مقام تبیین از روش‌هایی همچون تعریف مفردات، ذکر مبانی، ذکر احتمالات و ذکر مثال و تشبیه استفاده کرده است. وی از روش ذکر تاریخچه سود نبرده است که شاید این نکته معلول کم‌توجهی وی به منابع کلامی رایج و دیدگاه‌های فرق و مکاتب کلامی مخالف باشد. نیز در مقام تنظیم آموزه‌های اعتقادی، بر اساس مقتضای بحث، گاه تقدم و تأخر آموزه‌ها در اثبات را ملاک عمل قرار داده، و گاه بر اساس تقدم آموزه‌های عقلی بر نقلی عمل کرده است. او در مقام اثبات گاه همچون متکلمان عقل‌گرای فلسفی به استدلال‌های عقلی-فلسفی دست یازیده است. با وجود این، در موضعی که برای اثبات یا رد یک عقیده هم به ادله مبتنی بر مقدمات عقلی دسترسی داشته و هم به ادله نقلی، دسته دوم را ترجیح داده است. برای اثبات عقاید از براهین منطقی همچون برهان سبر و تقسیم، ذوحدین، خلف و نیز برهان اثنی استفاده کرده است.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، کلام، حر عاملی، دفاع، تبیین، تنظیم، اثبات.

* دانش‌آموخته دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) khaleghian@gmail.com

** استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم ghafoori_n@yahoo.com

[تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۲]

طرح مسئله

کلام شیعه در سیر تاریخی خود از ابتدا تا حال حاضر ادواری را سپری کرده است. برخی محققان این ادوار را در قالب مدارسی طبقه‌بندی کرده‌اند که به ترتیب زمانی عبارت‌اند از: مدینه، کوفه، قم (قرن سوم و چهارم)، بغداد، نجف، ری، حله، جبل‌عامل، شیراز، هند، اصفهان، کربلا، تهران، قم (دوره معاصر) (جبرئیلی، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۲). در این میان مدارس مدینه، کوفه، بغداد، اصفهان و قم (دوره متقدم و معاصر) تأثیرگذارتر بوده است (همان: ۴۲ و ۴۳).

مدرسه اصفهان که روش‌شناسی یکی از متکلمان آن موضوع این مقاله است، با ظهور صفویه و حمایت پادشاهان صفوی و دعوت عالمان شیعه به اصفهان شکل گرفت. فضای فکری مناسبی که صفویه در این شهر ایجاد کردند، سبب حضور همه جریان‌های فکری گذشته در آن شد. در باب جریان‌شناسی متکلمان مدرسه اصفهان باید گفت در این مدرسه سه جریان کلام فلسفی، کلام حدیث‌گرا و کلام عقل‌گرای غیرفلسفی وجود داشته است. در این میان تثبیت و تعمیق دو جریان کلام فلسفی و کلام حدیث‌گرا در اصفهان صورت گرفت (سبحانی و رضایی، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

حر عاملی از متکلمان تأثیرگذار در جریان حدیث‌گرا است. از وی در برخی آثار با عنوان اخباری و در برخی دیگر با عنوان محدث (قمی، ۱۴۱۶: ۱۴۷/۲) یاد شده است؛ برخی او را اخباری میانه‌رو (سبحانی، ۱۴۲۲: ۲۶۷/۱۲) و برخی دیگر اخباری افراطی (اسلامی، ۱۳۸۴: ۳۴۸) دانسته‌اند. وی در عین حال در مواجهه با اصولیان رفتاری معتدل داشته و در صدد نزاع شدید و انتقادات تند و گزنده علیه اصولیان برنیامده است. عاملی را علمای بزرگ اصول نیز ستوده‌اند و بلندای مقام فقاقت وی را تأیید کرده‌اند (حائری، ۱۳۸۱: ۲۱۷/۶).

در هر روی، اگرچه حر عاملی هیچ‌گاه دست از اخباری‌گری خود برنداشت، مطالعه سیاهه آثار او و محتوای آن نشان می‌دهد که وی از مباحث کلامی، اعم از کلام عقلی و نقلی، بیگانه نبوده و در جای‌جای برخی آثارش همچون متکلمی در مقام استنباط، اثبات و دفاع از آموزه‌های کلامی برآمده و تصویری از متکلمی چیره‌دست از خود به نمایش گذاشته است.

مقصود از «روش‌شناسی علم کلام» بررسی راه‌هایی است که متکلم را به هدف و

مقصود، که همان استنباط عقاید و دفاع از آن است، می‌رساند. در مقام استنباط متکلم به معرفت صحیحی از آموزه‌های دین می‌رسد و در مقام دفاع، آن معرفت را تبیین و تنظیم و اثبات می‌کند و به ردّ شبهات و عقاید معارض می‌پردازد. بنابراین، مقام دفاع پنج مرحله دارد (برنجکار، ۱۳۹۱: ۴۶ و ۴۷). در مواضعی دیگر به روش‌شناسی کلامی حر عاملی در حوزه استنباط (خالقیان، ۱۳۹۴: ۵۸-۱۵۷) و رد شبهات و عقاید معارض اشاره کرده‌ایم (غفوری‌نژاد و خالقیان، ۱۳۹۴: ۳۶-۵۵). این جستار در صدد پاسخ به این پرسش است که: روش‌های کلامی حر عاملی در سه مرحله تبیین، تنظیم و اثبات چیست؟ در مقام پاسخ به این پرسش با تتبع در آثار کلامی وی این روش‌ها اصطیاد و طبقه‌بندی شده است.

۱. روش‌شناسی تبیین

یکی از وظایف بسیار مهم متکلم تبیین آموزه‌های دینی است. مقصود از تبیین در علم کلام این است که متکلم گزاره اعتقادی را به گونه‌ای برای مخاطبان توضیح دهد که آنان تصویر روشن و واضحی از آموزه اعتقادی در ذهن خود بیابند. واضح است که هدف اصلی در تبیین آموزه‌های اعتقادی، این است که مخاطب تصویری روشن و بدون ابهام از آن آموزه داشته باشد، خواه آن را بپذیرد یا نه. در کنار هدف اصلی که برای تبیین ذکر شد، فواید دیگر آن، تأثیرگذاری‌اش در مقام تنظیم، اثبات و رد شبهات است.

تبیین با امور مختلفی همچون مخاطب، موضوع و محتوا، مقام خطاب (زمان و مکان) و تبیین‌گر ارتباط دارد. اگرچه نمی‌توان محیط و زمانی را که آموزه در آن مطرح می‌شود بی‌تأثیر دانست (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۵۴ و ۱۵۵).

۱.۱. روش‌های تبیین در آثار کلامی حر عاملی

حر عاملی از روش‌های متنوع و متناسب با عناصر مختلف مؤثر در تبیین بهره برده است. اکنون این روش‌ها را همراه با شواهدی که در آثار وی یافته‌ایم، از نظر می‌گذرانیم:

۱.۱.۱. روش تعریف مفردات

یکی از روش‌های بسیار رایج تبیین تعریف اجزا و مفردات آموزه اعتقادی است. حر عاملی در تبیین برخی آموزه‌های اعتقادی از این روش استفاده کرده است. وی برای اثبات معجزات پیامبر (ص) معنای اعجاز و فرق آن با سحر را توصیف می‌کند. او در تفاوت سحر و جادو با معجزه معتقد است در تعریف سحر و جادو، معجزات نمی‌گنجد. زیرا ساحر و کاهن همیشه نمی‌تواند آنچه را می‌خواهد انجام دهد و آنچه به واسطه آنها واقع می‌شود شایع نیست و غالباً در آن خطا و اشتباه و خیال است نه حقیقت. مثلاً ساحران قادر به زنده کردن مردگان و برگرداندن جوانی بعد از پیری و آوردن مثل قرآن نیستند. تفاوت دیگر اینکه سحر و جادو نزد عوام و زنان و مانند آنها ظاهر می‌شود، اما معجزات نزد علما و عقلا آشکار می‌گردد، در حالی که آنها قادر به رد این معجزات نیستند (حر عاملی، ۱۴۲۵ الف: ۳۳/۱ و ۳۴).

حر عاملی در بحث جبر و تفویض تعبیر «مشیت خداوند» را تبیین می‌کند و می‌گوید خواست و مشیت معصیت و عدم طاعت از جانب خداوند به معنای خلق اسباب و عدم منع است، پس مقصود از احادیثی که خداوند مشیت معصیت یا عدم طاعت کرده است، بطلان تفویض است نه ثبوت جبر (همان: ۲۳۰/۱). وی واقع‌شدن هر چیز در عالم به قضا و قدر و علم و اذن خداوند را موجب جبر نمی‌داند، بلکه دال بر بطلان تفویض می‌داند، زیرا این اسباب منجر به اجبار در طاعت و معصیت نمی‌شود (همان: ۲۹۱/۱).

۱.۱.۲. روش ذکر احتمالات

بیان احتمالات مختلف در بحثی کلامی، موجب وسعت دامنه ذهن مخاطب می‌شود. با این روش تبیین نادرست از ذهن مخاطب دور می‌شود.

حر عاملی در تبیین ظلم بودن عذاب اطفال کافران بدون استحقاق، بعد از بیان روایتی با این مضمون که اطفال مؤمنان به پدرانشان، و فرزندان مشرکان به پدرانشان ملحق می‌شوند، می‌نویسد این روایات حمل بر تقیه می‌شود، چون موافق مذهب عامه است که منکر عدلاند. نیز ممکن است این روایت حمل شود بر اینکه اطفال بعد از تکلیف و تحقق اطاعت و معصیت از آنان، مستحق عذاب و پاداش شوند. احتمال دیگر

آن است که تفضلی بر همه یا بعضی اطفال مؤمنان باشد، هر چند عذاب اطفال کافر بدون استحقاق ظلم است (همان: ۲۸۱/۱).

حر عاملی در توجیه روایاتی که بر خلق خیر و شر از سوی خداوند دلالت می‌کنند و می‌گویند خدا موهم جبر است، می‌گوید این احادیث را یا باید حمل بر تقدیر کنیم، به این معنا که خداوند خیر و شر را مقدر کرده است یا اینکه بگوییم منظور از خلقت شر و خیر این است که خداوند نیروهایی را که این اعمال از آن ناشی می‌شود آفریده است (مانند آفرینش شهوات، غرایز، خشم، حب ذات و غیره)؛ یا اینکه بگوییم منظور از خیر آن کارهایی است که فطرت بشر به آنها مایل است و مقصود از شر اموری است که انسان فطرتاً از آنها نفرت دارد (حر عاملی، ۱۴۰۲: ۳۹-۴۰).

حر عاملی در تبیین قضا و قدر نیز می‌گوید مراد از واژه «خلق» در «ان الله خلق السعادة والشقاوة قبل ان يخلق خلقه» فقط تقدیر این امور است، یا اینکه مراد آن است که خداوند آگاه است که این امور با اختیار بندگان محقق خواهد شد (همو، بی‌تاب: ۲۷).

۱.۱.۳. روش ذکر مثال و تشبیه

یکی از بهترین روش‌ها برای تبیین بحث‌های عقلی تشبیه و ذکر مثال است. البته نباید از این نکته غافل ماند که انتخاب مثال نادرست و غیرکامل، نتیجه معکوس می‌دهد.

حر عاملی در تبیین فعل خداوند و فعل انسان و اینکه طاعت و معصیت فعل و خلق انسان است، می‌نویسد خلق جوهر یا جسم مخصوص خداوند است، ولی غیرخداوند می‌تواند صورت را ایجاد کند. وی در ادامه مثالی از خلق صورت و اعراض در محسوسات می‌زند و می‌نویسد آیا نمی‌بینی بنا خانه را و نجار تخت را می‌سازد. طاعات و معاصی هم از اعراض و حرکات هستند که انسان خالق این افعال است (همو، ۱۳۷۶: ۲۵۸/۱؛ همو، بی‌تاب: ۴).

۱.۱.۴. روش ذکر مبانی

ذکر مبانی در تبیین آموزه اعتقادی بسیار مؤثر است، زیرا اختلاف دیدگاه‌های متکلمان در برخی آموزه‌ها، از اختلاف آنان در مبانی‌شان ناشی می‌شود. حر عاملی

در تبیین مسئله بداء ضمن اشاره به روایتی که بیانگر بداء در خصوص امامت امام عسکری (ع) و امام موسی کاظم (ع) است، می‌گوید بداء در این حدیث و امثال آن آشکارشدن امر برای مردم و ملائکه است، نه ظهور و آشکارشدن برای خداوند سبحان، به سبب اینکه جهل بر خداوند محال است (همو، ۱۴۲۵ الف: ۴/۱۹۴). از آنجا که جهل بر خداوند محال است، بداء درباره خلق است نه خدا (همو، ۱۳۷۶: ۱/۲۲۴).

می‌بینیم که وی برای به دست دادن تبیینی صحیح از آموزه بداء به این مبنا که جهل بر خداوند محال است تمسک کرده و بر این اساس بداء را تبیین می‌کند. مروری بر روش‌های استفاده‌شده حر عاملی در تبیین آموزه‌های اعتقادی و مقایسه آن با روش‌های رایج در میان عموم متکلمان نشان می‌دهد که وی از برخی روش‌ها کمتر بهره برده یا اساساً استفاده نکرده است. متکلمان در مقام تبیین آموزه‌های اعتقادی علاوه بر روش‌هایی که از آثار حر عاملی گزارش کردیم، از روش‌هایی همچون «ذکر تاریخچه» استفاده می‌کنند. توضیح آنکه ذکر تاریخچه بحث کلامی و بیان اقوال فرقه‌ها و مکاتب گوناگون می‌تواند نقشی تکمیل‌کننده در تبیین آموزه‌ای اعتقادی داشته باشد. این روش تصور روشن‌تری از دیدگاه هر متکلم در مقایسه با دیگر دیدگاه‌ها ایجاد می‌کند. نیز در مقام اثبات کمک می‌کند تا روشن شود که ادله‌ای که به آن تمسک شده برای اثبات یا رد کدام دیدگاه است (برای توضیح و تفصیل بیشتر نک: برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۶۲-۱۶۵). در آثار حر عاملی استفاده از این روش در مقام تبیین را نیافتیم. این نکته ممکن است معلول آن باشد که وی در آثار کلامی خود، کمتر به منابع کلامی رایج نظر داشته و رویکرد خاص مبتنی بر توجه به روایات اهل بیت (ع) را دنبال می‌کرده است.

۲. روش‌شناسی تنظیم

واژه «تنظیم» مصدر باب تفعیل و از ماده «نظم» به معنای ضمیمه‌کردن چیزی به شیء دیگر (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۷/۶۸۹) است. «تنظیم»، تألیف و چینشی هماهنگ و موزون است که غایتی را دنبال می‌کند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۵/۴۴۳) و موجب قوام و استقامت آن می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۵۷۸).

«تنظیم» در اصطلاح روش‌شناسی علم کلام آن است که متکلم بعد از تبیین آموزه اعتقادی، هماهنگی و ارتباط بین آموزه‌ها را نشان دهد و آنها را به گونه‌ای کنار یکدیگر قرار دهد که موجب قوام مجموعه آموزه‌ها شود و راه پذیرش آن هموار گردد. متکلم در مقام تنظیم در مرحله اول، اجزای آموزه را تنظیم می‌کند و در مرحله دوم جایگاه و نسبت آن آموزه و دیگر آموزه‌های کلامی را معین می‌کند. بنابراین، تنظیم عبارت است از ایجاد ارتباط و هماهنگی بین اجزای یک یا چند آموزه به گونه‌ای که موجب قوام آنها شود و پذیرش را برای مخاطبان آسان کند (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۶۹ و ۱۷۰).

تنظیم آموزه‌ها در تبیین و اثبات آنها نیز مؤثر است، زیرا چپش هماهنگ مسائل به فهم آنها کمک می‌کند و وقتی آموزه‌های دین منظم شد و هر مسئله‌ای در جای خودش قرار گرفت، اثبات راحت‌تر صورت می‌گیرد (همان: ۱۷۰ و ۱۷۱).

۱.۲. روش‌های تنظیم در اندیشه حر عاملی

تنظیم مانند تبیین، روش‌های متعددی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱.۱. ۱. تنظیم بر اساس تقدم و تأخر آموزه‌ها در اثبات

براهینی که مقدمات براهین دیگر را اثبات می‌کنند، از نظر رتبی بر آنها مقدم‌اند. همچنین براهینی که از مقدمات بدیهی تشکیل شده‌اند از لحاظ رتبی بر سایر براهین تقدم دارند. در روش کلامی حر عاملی تنظیم بر اساس تقدم و تأخر آموزه‌ها دیده می‌شود. وی در رد دیدگاه جبر، برهان‌های بدیهی را مقدم داشته و در تبیین اعتقادات مکلف روش وی بر پایه تقدم و تأخر آموزه‌ها بوده است.

حر عاملی در رد جبر دوازده دلیل می‌آورد. وی ابتدا سه دلیل را در بیان بدیهی بودن اختیار با ذکر مثال می‌آورد که هر عقل سلیمی آن را می‌پذیرد و قابلیت پذیرش همگانی دارد و از این رو از حیث رتبه بر سایر براهین تقدم دارد. پس از آن به ادله‌ای همچون قبح تکلیف، عبث بودن امر و نهی و ارسال رسل و انزال کتب می‌پردازد که از جمله دلایل عقلی است و درک آن بسیار آسان است. سپس لوازم فاسد این دیدگاه را بیان می‌کند و در پی آن از سایر دلایل سخن می‌گوید (حر عاملی، بی‌تاب: ۱۰-۱۱).

حر عاملی در بیان آنچه مکلف باید به آن اقرار کند این اعتقادات را بر اساس اهمیت آموزه‌ها تنظیم کرده است؛ لذا ابتدا بحث مبدأ و معاد و مسائل مرتبط با آن را، که مهم‌ترین مباحث اعتقادی است، مطرح می‌کند. در بحث از مبدأ ابتدا اثبات وجود خداوند را مطرح، و پس از آن صفات خداوند را بیان می‌کند. از آنجا که بحث نبوت متوقف بر اثبات خداوند است، وی سپس به نبوت می‌پردازد و در پی آن امامت و مسائل مرتبط با آن، از جمله غیبت امام زمان (عج) را، می‌آورد؛ زیرا امامت متوقف بر نبوت و ادامه آن است. در پایان وارد احکام شریعت می‌شود که نزد ائمه (ع) ثابت است (همو، بی تا الف: ۶-۷).

۲.۱.۲. تنظیم بر اساس تقدم آموزه‌های عقلی بر نقلی

حر عاملی در رساله‌ای که در نقد صوفیه سامان داده است می‌گوید چون تقدیم اعتبارات عقلی بر نقلی میان متأخران معروف است من نیز همین شیوه را برگزیده‌ام، زیرا احتجاج با مخالفان یا کسانی که در فساد عقیده و اطاعت‌نکردن از ائمه (ع) از آنان بدترند (= صوفیه) با این سنخ از ادله صورت می‌گیرد (همو، ۱۴۳۲: ۱۰-۱۱). وی در بطلان اعتقاد به حلول و اتحاد و وحدت وجود، ابتدا دلایل عقلی و سپس دلایل نقلی را بیان می‌کند و در بیان دلایل عقلی به دوازده دلیل اشاره می‌کند (همان: ۸۰-۸۷).

وی در کتاب *هدایة الامة الى احکام الائمة (ع)* دوازده مقدمه را در این خصوص تنظیم می‌کند. ابتدا از جایگاه عقل و علم سخن می‌گوید و سپس از آموزه‌هایی که عقلی‌ترند، مانند معرفت خدا، عدل الاهی و نبوت. وی مباحثی مانند امامت و معاد را که بیشتر نقلی هستند به تأخیر می‌اندازد، ولی امامت را با اینکه نقلی است، قبل از معاد مطرح می‌کند، در حالی که بخشی از مباحث معاد عقلی و بخشی نقلی است (نک: حر عاملی، بی تا ج، فصل کتاب). احتمالاً به این دلیل که در اکثر مباحث نقلی معاد، از احادیث امامان (ع) استفاده می‌شود. از این رو قبل از مطرح کردن معاد، باید امامت معصومان به اثبات رسیده باشد. وی در انتها بر پایه حجیت قول معصوم، در ضمن ابوابی می‌گوید همه مسائل از اینها باید اخذ شود و در صورت نبود نص، باید توقف و احتیاط کرد (حر عاملی، بی تا ب: ۳-۷).

می‌بینیم که حر عاملی در مقام تنظیم استدلال‌های خود در رد بر مخالفان اعتقادی از آنچه آن را شیوه رایج میان متأخران نامیده تبعیت کرده و ادله عقلی را بر ادله نقلی مقدم داشته است. وی در مقام تعلیل این عمل خود، به این نکته منطقی اشاره می‌کند که در احتجاج با مخالف باید از ادله‌ای استفاده کرد که برای وی پذیرفتنی باشد. مخالفان و صوفیان را که به سادگی به اقوال ائمه (ع) گردن نمی‌نهند باید با ادله عقلی مجاب و وادار به پذیرش حقیقت کرد. این نکته نشان از آن دارد که حر عاملی در مقام تنظیم ادله هر مدعای اعتقادی، به شرایط ویژه مخاطب توجه دارد. با وجود اینکه وی را متکلمی حدیث‌گرا می‌دانیم، در جاهایی که منطقی‌تاً تمسک به دلیل نقلی کارساز نیست، به ادله نقلی روی می‌آورد و بر رویکرد مبنایی خود، تعصب بی‌جا نمی‌ورزد.

۳. روش‌شناسی اثبات

اثبات آموزه‌های اعتقادی یکی از مراحل بسیار مهم شکل‌گیری نظامی اعتقادی برای هر مذهب یا فرقه‌ای است. در این مرحله میزان صحت و سقم آموزه‌های اعتقادی، اثبات می‌شود. مراد از «اثبات» در علم کلام این است که متکلم، آموزه‌های اعتقادی استنباط‌شده را با دلیل به مخاطبان عرضه کند تا آن مفاهیم در ذهن مخاطبان مستقر و مستحکم شود (برنجکار، ۱۳۸۷: ۱۶). احاطه کامل متکلم بر همه آموزه‌ها و روش‌های اثباتشان، و شناخت طرق استدلال و برهان، همچون شرایط اثبات‌گر، در این مرحله بسیار مؤثر و کارآمد است (همو، ۱۳۹۱: ۱۷۹-۱۸۰). هدف متکلم در این مرحله آن است که با ملاحظه وضعیت مخاطب، آموزه‌های استنباط‌شده را مستند به ادله قاطع و محکم کند تا مخاطب آن را قبول و تصدیق کند و نظام اعتقادی‌اش کامل شود (همان: ۱۷۸).

۳.۱. روش‌های اثبات در اندیشه حر عاملی

از آنجا که هر استدلال از ماده و صورت تشکیل می‌شود، این بحث را در این دو بخش پی می‌گیریم.

۳.۱.۱. انواع دلیل از لحاظ ماده

حر عاملی در تقسیم استدلال از جهت ماده، استدلال را به دو قسم مرکب از عقل و

نقل و نیز نقلی محض تقسیم می‌کند. وی معتقد است نقل حجیت ابتدایی خود را از عقل می‌گیرد و در اثبات نقل، عمل به عقل واجب است (حر عاملی، ۱۴۲۵ الف: ۶۱/۱) و استفاده از مقدمات و ادله نقلی، با تکیه بر عقل است، و عقل به طور قطع، بر یقینی بودن نقل، در صورت صحت صدور و دلالت، حکم می‌کند. حر عاملی در اثبات بسیاری از آموزه‌های اعتقادی و مباحث کلامی به دلیل نقلی استناد کرده است.

الف. دلیل مبتنی بر نقل

حر عاملی در اثبات همه آموزه‌های اعتقادی و مباحث کلامی از توحید و صفات الاهی و نبوت و امامت گرفته تا مباحث اختلافی مانند اثبات قضا و قدر و بطلان جبر و ... از دلایل مستند به نقل استفاده کرده است. از جمله این مباحث در توحید و صفات الاهی عبارت‌اند از: خداوند واحد است؛ در صفات و ذات شبیه مخلوقات نیست؛ به حواس در نیاید؛ مرکب نیست؛ ازلی و ابدی و سرمدی است؛ مکان ندارد؛ کنه ذات و صفات او دست‌یافتنی نیست؛ با چشم قابل دیدن و درک نیست؛ جسم و صورت ندارد؛ در ذات و صفات تغییر نمی‌کند؛ حرکت و انتقال ندارد؛ عالم به هر چیزی است؛ فرزند و همراه ندارد؛ ضد و مانند ندارد؛ از خداوند ظلم و جور صادر نمی‌شود؛ از خداوند چیزی که موجب نقص باشد صادر نمی‌شود؛ صفات ذاتی خداوند قدیم و صفات فعل خداوند حادث است؛ معلل بودن افعال خداوند به اغراض راجحه (همو، ۱۳۷۶: ۱۳۴/۱-۲۹۲).

مباحث کلامی مرتبط با نبوت و امامت که حر عاملی با دلایل مبتنی بر نقل آنها را اثبات می‌کند، عبارت‌اند از: وجوب اطاعت ائمه (ع)؛ وجوب علمیت و افضلیت و اکملیت امام؛ علم پیامبر و ائمه (ع) به همه علوم نازل‌شده از آسمان؛ عرضه اعمال بر پیامبر و ائمه (ع)؛ علم ائمه (ع) به تفسیر و تأویل و نسخ و محکم و متشابه و ... قرآن؛ کفر منکران امام حق (همان: ۳۲۸/۱-۳۹۸).

حر عاملی در اثبات سایر مباحث کلامی نیز به دلایل مبتنی بر نقل استناد کرده است، از جمله بطلان جبر، اثبات قضا و قدر الاهی، بطلان تناسخ، بطلان احباط و تکفیر جز در کفر و ایمان، فناشدن ارواح و همه چیز جز ذات باری تعالی (همان: ۲۱۸/۱-۲۹۹). وی یکی از ادله خلق کافر را معرفت خالق می‌داند؛ به این معنا که خداوند

کافر و مؤمن را خلق کرد تا دلیلی بر شناخت و وجود خالق باشد. در بیان صحت این دلیل به روایت امام حسین (ع) استناد می‌کند که فرمود: «ان الله ما خلق العباد الا ليعرفوه فاذا عرفوه عبدوه؛ خداوند بندگان را خلق نکرد جز آنکه او را بشناسند پس زمانی که او را شناختند عبادتش می‌کنند» (همو، بی تا ب: ۳).

وی در اثبات اینکه خداوند واحد است و در ربوبیت شریکی ندارد روایات بسیاری ذکر می‌کند (همو، ۱۳۷۶: ۱۳۵/۱). او همچنین روایات بسیاری را در اثبات تحریف‌نشدن قرآن می‌آورد؛ از جمله روایات دال بر اینکه هر کدام از اصحاب محمد (ص) قرآن را در یک ماه یا کمتر می‌خواندند (همو، ۱۴۲۶: ۷۱) و هر چیزی به کتاب و سنت برمی‌گردد و هر حدیثی که مخالف با قرآن باشد بیهوده و دورانداختنی است (همان: ۷۲). وی در انتها می‌نویسد احادیث بسیار دیگری همسو با این احادیث و در اثبات تواتر قرآن و تحریف‌نشدن آن در کتب اصحاب ثقه وجود دارد که برای طولانی‌نشدن کلام از ذکر آنها خودداری کرده است. برخی از این روایات ضعیف‌السند و برخی ضعیف‌الدلالة هستند، اما در مجموع شک و تردیدی در تحریف‌نشدن قرآن باقی نمی‌گذارد (همان).

ب. دلیل مبتنی بر مقدمات عقلی

حر عاملی در اثبات بطلان حلول و اتحاد، با استناد به ادله عقلی می‌نویسد در صورت قبول ادعای حلول و اتحاد به این معنا که خدای متعال بعد از آنکه عارفان وجود یافتند، در بدن‌هایشان حلول کرده یا با آنها متحد می‌شود، لازم می‌آید واجب‌الوجود دستخوش تغییر و تبدیل شود که قطعاً باطل است، زیرا با قدیم‌بودن ذات باری تعالی و واجب‌الوجودبودنش منافات دارد (همو، ۱۴۳۲: ۸۱). وی همچنین به ادله نقلی، یعنی قرآن و روایات بسیاری، استناد می‌کند که ادله عقلی بر بطلان اعتقاد به حلول و اتحاد را تأیید می‌کند (همان: ۸۷-۹۷).

اما وی در اثبات بسیاری از مباحث اعتقادی و آموزه‌های دینی فقط به بیان اینکه ادله عقلی و نقلی بسیاری بر اثبات آن دلالت می‌کند اکتفا کرده، و ادله عقلی را مطرح نکرده است. نیز در مقام ردّ برخی مباحث فقط اشاره می‌کند که ادله عقلی و نقلی بسیاری معارض با آن است، بدون آنکه این ادله را مطرح کند. از جمله: اثبات قدم

خداوند (همو، ۱۳۷۶: ۱/۱۳۴)؛ اثبات عدالت، نبوت، امامت، معاد (همو، ۱۴۰۳: ۱۷۲: ۱۴۲۵: ۳۹/۱؛ همو، بی‌تا ج: ۴)؛ عدل الاهی و صدور طاعت و معصیت از بنده (همو، ۱۴۰۲: ۴۰)؛ عینیت صفات ذات خداوند با ذات خداوند، و عینیت صفات فعل خداوند با فعل خداوند (همو، ۱۴۰۳: ۲۴۰)؛ عصمت انبیا و ائمه (همو، ۱۳۷۶: ۱/۴۴۳)؛ افضلیت امام (همو، ۱۴۲۵ الف: ۳/۲۱۸ و ۴/۱۲۹)؛ امکان و وقوع رجعت (همو، ۱۳۶۲: ۳)؛ وجوب تسلیم در برابر آنچه از معصوم رسیده است (همان: ۸)؛ رجوع در همه احکام به آنان (همان: ۱۵)؛ وجوب معرفت امام (همو، ۱۴۲۵ ب: ۸۳)؛ بری بودن ائمه (ع) از رجس (همان: ۲۳۸)؛ تفویض نشدن خلق اجسام و ارواح و عقول به غیر خداوند (همان: ۲۷۷).

۳. ۱. ۲. روش‌های اثبات از لحاظ صورت

استدلال از لحاظ صورت اقسامی دارد که در منطق به تفصیل گزارش شده است. برخی استدلال‌ها و براهینی که حر عاملی در مباحث کلامی به کار برده است عبارت‌اند از:

الف. برهان اَنّی

حر عاملی در اثبات خالقیت، علم و قدرت خداوند از برهان اَنّی استفاده می‌کند و می‌گوید هر مخلوقی بر خالقیت، علم و قدرت خداوند دلالت می‌کند و ما باید به وسیله مخلوقات بر اینها استدلال کنیم (همو، ۱۳۷۶: ۱/۱۳۹).

ب. برهان ذوحدین

حر عاملی در اثبات عصمت پیامبر (ص) از برهان ذوحدین استفاده می‌کند و می‌گوید اگر پیامبر (ص) کاری را از روی اشتباه یا فراموشی انجام دهد، پیروی از ایشان در آن عمل یا واجب است یا واجب نیست. قسم اول مسلماً باطل است، زیرا هدف از انتصاب ایشان هدایت مردم به راه راست و برحذر داشتن از نادرستی‌ها و خطاها بوده است. قسم دوم هم درست نیست، چراکه با این گفته صریح خداوند تعالی مخالفت دارد: «ان کتّم تحبون الله فاتّبعونی (آل عمران: ۳۱)؛ اگر خداوند را دوست دارید از من (پیامبر) پیروی کنید» (حر عاملی، ۱۳۸۹: ۹۵).

وی همچنین این قیاس را در اثبات عصمت پیامبر به شکل دیگری ترتیب می‌دهد و می‌گوید اگر معصوم دچار آفت‌های مزبور، خطا و فراموشی، باشد دو حالت دارد؛ یا بر مردم در مواقعی که میانشان اختلاف روی می‌دهد، داور قراردادن او واجب نیست، چون قدرت و توان لازم برای قضاوت را ندارد و ممکن است در قضاوتش خطا کند؛ یا اینکه بر آنان چنین چیزی واجب است که البته کار بیهوده و بی‌نتیجه‌ای است، چون دچار اشتباه و خطا می‌شوند، و محال است واجب باشد. هر دو صورت فوق با توجه به این سخن خداوند تعالی و غیر آن، نادرست است: «فلا ربک لاتؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیمًا؛ (نساء: ۶۵) نه، سوگند به پروردگارت ایمان نمی‌آورند مگر آنکه تو را در نزاعی که میانشان در گرفته، حاکم کنند. آنگاه در وجود خویش از حکمی که تو می‌کنی، اصلاً گرفته‌خاطر نشوند و سراپا تسلیم آن باشند» (حر عاملی، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

حر عاملی در ردّ احادیثی که دلالت بر جواز سهو از پیامبر (ص) دارند نیز از قیاس ذوحدین استفاده می‌کند و می‌گوید اگر احادیث سهو پیامبر در نماز درست باشد و معصوم در نماز جماعت دچار سهو شود و کسانی که به او اقتدا کرده‌اند، دچار اختلاف شوند و بعضی بگویند شما دو رکعت خوانده‌اید و برخی دیگر بگویند شما چهار رکعت خوانده‌اید، یا او باید میانشان داوری کند که امکان ندارد. چون او به عمل خویش جاهل است و نمی‌تواند یکی از دو گفته را ترجیح دهد؛ یا اینکه داوری بر او لازم نیست، که در این صورت اختلاف میان مردم ادامه پیدا می‌کند تا آنکه منجر به نزاع و کشتار شود. این تباهی بزرگی را در بر دارد که بر خداوند حکیم تعرض به آن جایز نیست. وانگهی چنین پیامدی، تخریب‌کننده هدفی است که از نصب معصوم در نظر بوده است (همان: ۱۰۲).

ج. برهان خلف

برهان خلف قیاسی است که در آن به وسیله بطلان نقیض مطلوب، به اثبات آن می‌رسیم. حر عاملی برای اثبات رؤیت‌ناپذیری خداوند از برهان خلف استفاده می‌کند و می‌گوید اگر رؤیت خداوند امکان داشته باشد، خداوند شبیه مخلوقات می‌شود و نسبت نقص و احتیاج به او داده می‌شود، که لازمه ممکن‌الوجودبودن خداوند و حادث‌بودن او

است. پس لازم می‌آید خداوند ممکن‌الوجود و حادث باشد. حال آنکه این مخالف واجب‌الوجود بودن و قدیم‌بودن خداوند است. اینها همه باطل است. پس ملزوم آنها که رؤیت خداوند است نیز باطل است (همو، ۱۴۰۳: ۲۵). بنابراین، وی با بطلان نقیض مطلوب، مطلوب یعنی رؤیت‌ناپذیری خداوند را اثبات می‌کند.

حر عاملی در اثبات عصمت علی (ع) نیز می‌گوید اگر امام معصوم نباشد طاعتش واجب نیست و چون نصوص بسیاری بر طاعت امام علی (ع) دلالت می‌کند پس امام باید معصوم باشد (همو، ۱۴۲۵ ب: ۱۹/۳).

وی در اثبات عصمت معصوم برهان خلفی به این شکل ترتیب می‌دهد که اگر خطا و فراموشی به معصوم امکان داشته باشد، احتمال دارد مطلبی دروغین و غیرصحیح از روی خطا یا فراموشی به خدا نسبت دهد و این کذب و ظلم است و ظالم شایستگی منصب و مقام امامت را ندارد (همو، ۱۳۸۹: ۱۰۰ و ۱۰۱).

د. برهان سبر و تقسیم

«سبر» به معنای آزمودن و «تقسیم» به معنای جمع کردن است. این برهان به گونه‌ای است که در آن همه احتمالاتی که ممکن است جواب مسئله باشند، ذکر می‌شود، سپس با بررسی همه آنها و رد احتمالات نادرست، از بین آنها جواب صحیح کشف می‌شود.

وی در اثبات جواز تصریح به اسم مهدی (عج) به جمع بین احادیث جواز و منع تصریح به اسم مهدی (عج) در عصر غیبت می‌پردازد و در این باره هفت وجه و احتمال بیان می‌کند و در انتها می‌گوید تمام این وجوه فاسد و نادرست است مگر وجه اول، یعنی حمل روایات منع بر حالت خوف و تقیه، خواه در زمان غیبت امام زمان (عج) باشد یا در غیر این زمان (همو، ۱۴۲۵ ب: ۱۰۴-۱۰۵).

مطالعه عملکرد حر عاملی در استفاده از مواد عقلی و نقلی در سامان‌دادن استدلال‌های کلامی نشان می‌دهد که وی در این مقام از ادله مبتنی بر مقدمات عقل نظری غافل نبوده است و همچون متکلمان عقل‌گرای فلسفی در اثبات حلول‌نکردن ذات باری در مخلوقات و اتحادداشتن با آنها به استدلال‌های عقلی - فلسفی دست یازیده است. با وجود این، در موضعی که برای اثبات یا رد یک عقیده هم به ادله مبتنی

بر مقدمات عقلی دسترسی داشته و هم به ادله نقلی، دسته دوم را ترجیح داده است و ضمن آنکه تلویحاً دلالت ادله عقلی را پذیرفته، از ذکر آن امتناع ورزیده و به ادله نقلی اکتفا کرده است. مطالعه روش‌های اثبات در اندیشه کلامی حر عاملی نشان می‌دهد که وی تقریباً از تمام روش‌های رایج در علم کلام بهره برده و متکلمی تمام‌عیار است.

نتیجه

تبیین آموزه‌های اعتقادی، نظام‌بخشی به آنها و در نهایت اثبات آنها از وظایف اصلی متکلم محسوب می‌شود و هر یک از این سه مرحله روش‌های خاص خود را می‌طلبد. حرّ عاملی در مقام تبیین آموزه‌های اعتقادی از روش‌های متعددی از جمله تعریف مفردات، ذکر مبانی، ذکر احتمالات و ذکر مثال استفاده کرده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، وی در این مقام از روش ذکر تاریخچه سود نبرده است. در این روش متکلم برای بیان مدعای خود از ذکر اقوال و دیدگاه‌های گوناگون در مسئله محل بحث خویش سود می‌برد و از اصل «تعرف الاشياء باضدادها» بهره می‌گیرد تا مدعای خود را به‌خوبی در ذهن مخاطب ترسیم کند. استفاده نکردن حرّ عاملی از این روش ممکن است معلول کم‌توجهی وی به منابع کلامی رایج و دیدگاه‌های فرق و مکاتب کلامی مخالف باشد.

حرّ عاملی در مقام تنظیم آموزه‌های اعتقادی، بر اساس مقتضای بحث، گاهی بر اساس تقدم و تأخر آموزه‌ها در اثبات، و گاهی بر اساس تقدم آموزه‌های عقلی بر نقلی عمل کرده است. وی در عین اینکه متکلمی نص‌گرا است، با توجه به وضعیت خاص مخاطب، گاه استدلال‌های عقلی را ترجیح داده و در مقام تنظیم، این قبیل استدلال‌ها را در اولویت قرار می‌دهد و بر استدلال‌های نقلی مقدم می‌دارد.

مهم‌ترین مرحله شکل‌گیری نظام اعتقادی، مرحله اثبات آموزه است. در این مرحله متکلم آموزه‌های اعتقادی را مستند به دلیل صحیح و متناسب با آن می‌آورد تا موجب رسوخ و باور آن آموزه در ذهن و جان مخاطب شود. روش‌های اثبات از دو لحاظ بررسی می‌شوند: نخست از لحاظ ماده و مقدمات استدلال؛ و دوم از لحاظ صورت و شکل. حرّ عاملی گاه، همچون متکلمان عقل‌گرای فلسفی به استدلال‌های عقلی - فلسفی

دست یازیده است. با وجود این، در موضعی که برای اثبات یا رد عقیده‌ای هم به ادله مبتنی بر مقدمات عقلی دسترسی داشته و هم به ادله نقلی، دسته دوم را ترجیح داده است. ضمن آنکه تلویحاً دلالت ادله عقلی را پذیرفته و از ذکر آن امتناع ورزیده و به ادله نقلی اکتفا کرده است.

حر عاملی از برهان سبر و تقسیم، ذوحدین، خلف و نیز برهان پرکاربردی مثل برهان انی برای اثبات آموزه‌های دینی استفاده کرده است. مطالعه روش‌های اثبات در اندیشه کلامی حر عاملی نشان می‌دهد که وی تقریباً از تمام روش‌های رایج در علم کلام بهره برده و متکلمی تمام‌عیار است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۴). ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم.
- ابن فارس، ابی‌الحسین احمد (۱۴۰۴). معجم مقانیس اللغة، عبدالسلام محمد هارون، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، احمد فارس صاحب الجوانب، بیروت: دار الفکر، الطبعة الثالثة.
- اسلامی، رضا (۱۳۸۴). مدخل علم فقه، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم، چاپ اول.
- برنجکار، رضا (۱۳۸۷). کلام و عقاید، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول.
- برنجکار، رضا (۱۳۹۱). روش‌شناسی علم کلام: اصول استنباط و دفاع در عقاید، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ اول.
- جبرئیلی، محمدصفر (۱۳۹۰). «مدارس کلامی شیعه امامی»، در: کلام اسلامی، ش ۷۹، ص ۳۷-۵۱.
- حائری، سید مهدی (۱۳۸۱). دایرةالمعارف تشیع، تهران: شهید سعید محبی، چاپ سوم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، تهران: نوید، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). الفصول المهمة فی أصول الأئمة عليهم السلام (تكملة الوسائل)، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۹). پیراستگی معصوم از فراموشی و خطا، محمد اصغری‌نژاد، قم: ادیان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۲). الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). الفوائد الطوسیة، قم: المطبعة العلمية، الطبعة الاولى.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ الف). إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ ب). كشف التعمية فی حکم التسمية: بحث روائی بجواز التصريح باسم المهدي فی عصر الغيبة، بیروت: دار الهدای، الطبعة الاولى.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۶). تواتر القرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، الطبعة الاولى.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۳۲). الرسالة الاثنی عشریة فی الرد علی الصوفیة، عباس الجلالی، قم: مؤسسه انصاریان للطباعة والنشر.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا الف). بداية الهدایة، نسخه خطی کتاب‌خانه مجلس، شماره بازیابی ط ۳۳۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا ب). رسالة خلق الکافر، نسخه خطی کتاب‌خانه مجلس، شماره بازیابی ۳۱۴۷/۱.

حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا ج). *هدایة الامة الى الاحکام الائمة (ع)*، نسخه خطی به شماره بازیابی ۷۲۸۲.

خالقیان، ام‌البنین (۱۳۹۴). روش‌شناسی کلامی شیخ حر عاملی، رساله دکتری شیعه‌شناسی، استاد راهنما: محمد غفوری‌نژاد، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*، علی شیری، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى.

سبحانی، جعفر (۱۴۲۲). *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول.
سبحانی، محمدتقی؛ رضایی، محمدجعفر (۱۳۹۱). «مدرسه کلامی اصفهان»، در: *تاریخ فلسفه*، س ۳، ش ۱۱، ص ۱۱۱-۱۳۸.

غفوری‌نژاد، محمد؛ خالقیان، ام‌البنین (۱۳۹۴). «روش‌شناسی کلامی شیخ حر عاملی در مقام دفاع در حوزه‌های رد شبهات و رد مکاتب معارض»، در: *تحقیقات کلامی*، ش ۱۰، ص ۴۵-۶۴.
قمی، شیخ عباس (۱۴۱۶). *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*، تهران: دار الاسوة، الطبعة الثانية.